

سیمای مرتجعین و سازشکاران

دور تو مبادات تو ده ای

متن پیشرو ترین دانش بشری همواره محتوی اینست که جهان مادی و انسان دستخوش تحول و دگرسانی است نیروی عمده تحولات و تبدلات جریا نات طبیعی را مبارزات درونی و ذاتی پدیده ها و اشیاء طبیعی تشکیل داده اهرم نیرو مادی جهت پیشبرد و تکامل شرایط محیطی و ملحقیات آن میگردد .

پدیده های اجتماعی نیز که با هم مرتبط و در هم موثر اند از این قانون اساسی تکامل و تحول بر خور دار میباشد که سیر حرکت آن بیانگر ماهیت مثبت یا منفی آن میباشد و در پر تو این تطورات انسانی میتواند شاهد مقصود را بدست آورده از آن جهت تحقق اندیشه ها و آمال خویش استفاده کرده موانع و مشکلات تیرا که در سر راه دارد از میان بردارد .

روی این اصل مسلم است که کشور عزیز مانیز چون پدیده میان سایر پدیده ها کیهان مادی دارای نمود های خاص خود بوده و شرایط مختلفه تکاملی را پیموده است که مبارزات گوناگون اجتماعی نیز بخشی از آنرا تشکیل میدهد از جمله مبارزات اجتماعی که در افغانستان بود و قو پیوسته و برای جوانان مترقی و توده های مظلوم و ستمکش این محیط سزاوار عطف توجه میباشد یکی هم مظاهرات کارگری و روشنفکری است که هم اکنون طی چندین روز گذشته اشکال گوناگون آن با ماهیت و رهبری خاص همراه باشعار های مختلف ، آدهان و افکار باشندگان این سر زمین با ستانی رابه خود مشغول کرده ، فضای سیاسی کشور را شکلی غیر از گذشته بخشیده است .

مظاهرات رزمندگان مکتب های میانیکی ، تخنیک صنایع ، اداره عامه ، نرسنگ باعث تجمع و تشکیل دسته های دیگر از شهریان کابل شده که هر کدام خواهان حمایت و پشتیبانی از خواسته ها و آرزو های آنان بودند ، ولی از آنجا بیکه چهره حق ، همیشه بعد از مبارزه سخت در برابر باطل ظاهر گردیده و بادرخشش خویش چشم بینندگان را باز نموده و با طنین پرهیبت خویش خواب بردگان را تکان داده و سیمای خاینان را بر ملا میسازد ، بناء مظاهرات اخیر شهر کابل یکبار دیگر ماسک دشمنان خلق های مظلوم و محنت زدگان این دیار را پاره نمود ، جوانان مترقی و خلق شریف افغانستان که از مدتی فریب غولان حقه باز دستگاه های حاکمه گذشته را خورده بودند و بعد از طلوعه آفتاب با اصطلاح

شعله ها و دانه ها

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره نهم پنجمشنبه ۹ جوزا ۱۳۴۷ هـ - ۳۰ می ۶۸

انجنیر محمد عثمان

باز هم ردهجویات لایعنی

سرد مداران فر هنگ از تجاعی بر توده های ستمکش که چرخهای سنگین اقتصاد کشور با دستهای پر آبله آنان به گردش می آید ، بخاطر اینکه به فرزندان آنها افتخار شمول در پوهنتون کابل و مکاتب لیلیه بخشیده اند منت می گذارند . این منتهای پر رویی است . اینان در برابر خواستهای معقول و منطقی شاگردان مکاتب عدم امکانات مالی رابها نه می آورند . جای پرسش جدی است که در صورت عدم امکانات مالی ، کاخ های فلکسای پوهنتون ، لیلیه پوهنتون ، کمپ وزارت معارف و مکتب حبیبیه پلی تخنیک و تخنیک عالی و دستگاه های عریض و طویل آن و مصارف بیجا و لخر جی های سر سام آوری که در این وزارت وجود دارد محصول کدام مهنه مالی است ؟

اینان که شاگردان را به دادن در خواست و عریضه و مفا همه و مباحثه فرا میخوانند چرا از یاد برده اند که در پای در خواست های گروهی از مراجعین چه احکام خلاف تمنیات مراجعین و چه اوا مر بیداد گرانه ای نوشته اند ؟ آیا اینان بخاطر ندارند که بار ها در خواست فرزندان خلق را با خون و آتش پاسخ گفته اند ؟ همین اکنون وضع معارف در سراسر افغانستان و علی الخصوص در برخی از گوشه های آن بسیار اسف انگیز است . تنها متعلقان برده صفت و دروغ پر دازان جاه طلب می توانند باور کنند که کشور ما را رای معارف مترقی و متوازن و منکشف است و یا اصلا وزارت معارف با دستگاه های عریض و طویل خویش در راه خدمت به فرهنگ ملی ، در راه رشد خلاقیت علمی ، در راه پایه گذاری فرهنگ واقعا متوازن گامی برداشته است و بر نامه های آموزشی آن که بدست کارشناسان کشور های امپریالیستی تنظیم می گردد برای تخریب افکار و سودن روح شاگردان نیست و برای بلند بردن سطح دانش و رشد استعداد آنها نیست . گرسنی نشین بزرگ دولت ضمن سخنرانی خود اظهار کرد که «قالمقال» های شاگردان برای متخصصین ما مجال نمی دهد تا به حل مشکلات و پرو بلم های معارف در یک فضای آرام بپردازند . جای دارد پرسشیم که این متخصصین (در)

چند شب پیش یکی از گرسنی نشینان بزرگ دولت در سخنرانی رادیویی خویش بزعم خود روشنفکران محصلین پوهنتون و شاگردان مکاتب را پند و اندرز داد آنرا به نوکر منشی و اطاعت کور گو رانه از قوانین جا برانه تعلیمی و بر نامه های زیان بخش آموزش فرا خواند و روشنفکران واقع بین و فرزندان صدیق خلق را اخلاک و ماجراجو نامید .

یاد بودی از قیام مسلحانه خلق افغانستان علیه امپریالیسم انگلیس

پنجده سال پیش از این خلقهای ستمکش افغانستان با نبرد قهرمانانه و خونین خویش زنجیرهای اسارت را درهم شکستند و بزرگترین نیروی امپریالیستی آن دوران (امپریالیسم انگلیس) را بزانو درآوردند شعله جاوید که خویشتن را وارث سنن گرانمای انقلاب خلق افغانستان میدانند این روز خجسته را به توده های ستمکش ، عناصر پیشرو و مترقی و میهن پرستان واقعی شاد باش می گویند و ایمان عمیق دارد که سرانجام توده های زحمتکش کشور ما بادر آمیختن آزادی سیاسی و اقتصادی به پیروزی خواهند رسید درود گرم برخاطره قهرمانان سر سبز ده راه آزادی .

آنانیکه به تنظیم آزادانه مش تکاملی افغانستان بر اساس مقتضیات رشد آن علاقه دارند و در راه پایه گذاری یک فرهنگ ملی بار و ر مبارزه میکنند از سردمداران فرهنگ ارتجاعی جز این تو قعی نمی توانند داشته باشند .

آئین دیرینه همه دشمنان خلق چنین است که همواره برای اینکه فاصله ای میان خلق و فرزندان صدیق خلق ایجاد و در اذهان توده ها نسبت به روشنفکران جانباز نقطه های سیاه شک و تردید بجا گذاشته باشند چنین نسبت هایی به آنان می دهند و به تکرار این ادعا جیف نفرت انگیز می پردازند .

غافل از اینکه امروز توده های ستمکش کشور ما فریب این سخنان بظاهر آراسته و عوام فریبانه را نمی خورند و روشنفکران واقع بین همانگونه که در مبارزات عملی خویش آگاهی سیاسی را از دست نداده اند به مسایل ایدئولوژیک نیز نقادانه برخورد می کنند و همه مسایل را به محاکم عقل و منطق و معیار های شکستناپذیر دانش پیشرو می سنجند و حقیقت را از باطل تشخیص میدهند .

یعنی آنانیکه در کشتی ثوق بهوای طلب سیر میکنند پیوند خویش را باین جریا نات معقول و پسندیده ، که دستگاه های تبلیغاتی دولت میخواستند بادگرگون جلوه دادن ماهیت آن افراد این کشور را بر مبارزان راه حق و عدالت بر آشفته سازند ، آشکار ساختند همان بود که از روز سه شنبه تا ساعت ۱۲ و نیم روز یکشنبه میان کوچه ها و خیابان های شهر کابل موج پر جوش و خروش مظاهره کنندگان را رهنمایی میکردند . چرا این حامیان ندا های معصوم و حق طلبانه ، مبارزان مکاتب گوناگون و سایر جوانان روشن بین طی روز های گذشته در کوچه ها و خیابانهای شهر کابل باشعار ها و آواز های مهیج و دردناک راه پیمایی کردند و باتوده هادر آمیختند ؟

اصولا رنجبران ، دهقانان و نیمه رنجبران کشور ما که در جهنمی ترین کوره استبداد دستگاه حاکمه فاسد میسوزند و از ابتدایی ترین حقوق زندگی نیز برخوردار نیستند هرگز نمیتوانند از روشنفکران آگاهی که علت العلل رنج ها ، بدبختی ها و سرگردانی های ایشان را توضیح میکنند بی نیاز باشند و همچنان جوانان واقعی و جهش (در ص ۳)

تقدیم به شعله جاوید

حمید

پافشاری روی مبارزه کلید

پیروزیست

چرا به انتریت عظیم سر دم افغان نستان رنجبران می گویند ؟
همان مردمی که حاصل ز حمت شان صرف عیا شی ها و خوش
گذرانی های عده قلیل مفتحو را بر و گندیده میشود و خود شان با فقر
و مسکنت در سیاه چال ها و درجه های سر می برند و به مرگ تدریجی
بن در داده اند، لیا نند؟؟

این ها در یجا بسر می برند؛ پو شاك شان چیست؟ و چه میخورند؟
بایک تدریس بسیار مختصر اروضع عینی زندگی آنها که برای بهره کشان
مفتحوار و قلیل خوش آیند نیست، میتوان درك نمود که واقعا توده های
شرا فتمند ملت ما همین ها هستند این ها هستند که به حق می توان
آنها را رنجبران و نیمه رنجبران خواند.

از مسکن (دخمه های) رنجبران آغاز کنیم:

در شهر دابل - در عقب رستوران خیبر، یعنی در مراد خانی سرای هائی
وجود دارد که بسیار بینه و پرسوده بوده و هر آن بیم سقوط آن میرود
و فتنی که در یکی از این سرای ها داخل شوی و به چهار سمت نظر
اندازی، مشاهده می کنی که چاردر چار و دو منزله اطاق آباد شده
است. و بعضا در منزل اول د کانه بوده و اکثر اوت و چپلی دو زی
داپری است در منزل بالائی اطاق های متعدد يك لاو دو لاو وجود
دارد که در آن ما مورین پائین رتبه دولت (معلمین، کاتبان، و سر کاتبان)
یکان بنیه کبر و خیاط و دیگر پیشه وران و کار گران زندگی میکنند.
بعضا دارای از سی و پنجره و لی اکثر افا قد آن میباشند. زمینش
پر از خاک و نم سقفش از دود سیاه

رنک آمیزی شده و بدون مسطح و
دیوار ها یش کاه گل ندارد تنک و
تاریک و خلاصه خفقان آور است.

شاید در هر اطاق سه یا چهار نفر
معلم و چار تا پنج نفر کاتب و سر کاتب
و غیره زندگی میکنند. که ما ها نه
مبلغ دو صد الی دو صد و پنجاه
افغانی کرایه پرداخت میکنند.

اما در منزل اول که بیشتر به
مفاره ها شباهت دارد و بصورت
اطاق های تاریک و تنک و طویل آباد
شده و صرف دای یک در وازه
در آمد می باشد، جوانی ها مرد کاران
(کارگران تعمیراتی) پینه دو زان و
مانند آنها کسان دیگر حیات بسر
می برند.

این ها از نگاه سن و سال افراد
نوبالغ، جوانان، میانه سالان و
اشخاص مسن هستند.

در هر اطاق بیش از هشت، ده
و حتی دوازده نفر شب را سحر
میکنند.

فرش اطاق بوریا و کرایه اطاق در
نوسان بوده فی نفر يك تا دو افغانی
(برای يك شب) است. این زننه
پگور ها که از کله صبح تا شام
گاوم مصروف ز حمت کشی و
فرسودن تن ناتوان و علی و مشغول
فروش شیر جان خود در مقابل
بیست تا سی افغانی هستند، لباس
خود را از تن دور نمیکنند، لحاف
یاشال کهنه دارند که روی خود
می کشند و سر میگذارند.

از تو شک و بالشت خبری نیست
از بس تحت فشار استبداد قرار
دارند و به صبر و قناعت تلقین شده
اند و به این راضی هستند که لااقل
در زیر سقفی می خوابند و لقمه نانی
خورند و تن شان ما نند مردم
عصر حجر نیست.

باقی دارد

اسد

همزیستی مسالمت آمیز یا نفی

مبارزات آزادی بخش خلقها علیه امپریالیسم و استعمار

بادرک. این واقعیات تلخ آیا میتوان امید داشت که شعار همزیستی
مسالمت آمیز و ستراژی صلح اینرا برساند که امپریالیسم آن
بیر خونخوار که جنگ را اجبارا بر ملل ستمدیده تحمیل کرده و برای
بهره برداری از نیروی انسانی و توسعه بازار های تجارتی و انحصاری در آسیا،
افریقا و امریکای لاتین که هموا ره در صدد فتنه انگیزی و تلاش اند -
اسلحه بر زمین گذاشته و پاینده های نظامی خود را در کشور های مختلف
منحل سازند ؟

ما ازین سازشکاران که امید مغشوش ساختن افکار خلق و به
اصطلاح مردم ما آب را خت کرد و ما میگیرند در اینجا سوال میزنیم
و باید جواب بدهند آری و یا نه ؟ اگر جواب منفی است پس چرا
میکویند : «امروز قانون عینی و بشر دوستانه (انتقال مسالمت آمیز)
امکاناتی را برای کشور های عقب مانده همچو افغانستان بوجود آورده
که از طریق آن میتوان بصورت (مسالمت آمیز، قانونی، غنی
و پارلمانی) اصل صلح و استقلال و دیمو کراسی ملی و ترقی اجتماعی
را تامین کرد»

اگر جواب مثبت است پس باین گفته خود چه میکنید: استعمار حاضر
نیست حق تعیین سر نوشت را برای ملت پشتونستان و مردمان آنکو لا
و موزنبیق و غیره برسمت بشناسد. وطن پرستان و عسنا سرپیشرو
متوجه این تناقض کونی های اعمال ارتجاع سیاه بوده نمیکند و رند سمت
جریان مبارزات آزادیخواهی خلقها را این نقاب داران با اندیشه های
زهر آکین خود بطرف گمراهی و به نفع عمال استثمار کر خویش منحرف
سازند.

تاریخ تکامل جوامع، تاریخ
مبارزه طبقاتی است، لذا تا زمانی
که سیستم آدمخوار سرمایه داری
و ملاکسی وجود دارد و تا وقتی که
تناقضات و تضادهای طبقاتی در جوامع
موجود است مبارزه طبقاتی ناگزیر
موجود است.

خلقهای ستمدیده و رنجبر و تمام
عناصر پیشرو با اساس جهان بینی -
علمی عصر نوین باین اصل ایمان
دارند که هیچ نیروئی بجز خودشان
نمیتوانند رنجبر های بنیاد استعمار
را در هم شکسته و هیچ قدرتی بالاتر
از جنبش رهائی بخش خلقها و مبارزات
طبقاتی نیست که کابوس سیاه استعمار
از سیاره ما نا بود سازد. پیش
آهنگ نهضت کارگری و دهقانسی
میکویند: «سوسیال دیموکرات در
باره جنگ هرگز نظر احساساتی
در پیش نگرفته است و میداند تا
آنجا که جامعه به طبقات تقسیم شده
باشد و تا آنجا که بهره کشی انسان
از انسان موجود باشد جنگ و مبارزه
اجتناب نا پذیر است این بهره کشی
نمیتواند بدون جنگ از بین برود
و جنگ را در همه جا خود استثمار
گران و طبقات حاکم و ستمگر آغاز
کرده است. این دگر مسلم است
که امپریالیسم هر چه بیشتر مذبوحانه
مقاومت کند حلقه محاصره آن توسط
ستمدیدگان جهان از خارج و تضاد
و جنبش درونی از داخل تحت فشار
و تضیق قرار گرفته و سر انجام به
نابودی کامل محکوم میگردد و مدافعین
استعمار نوین هر چه بیشتر استعمار
را آرایش کنند و بدان خدمت نمایند
امپریالیسم و استعمار نمیتوانند از
نابودی جبری خود بر کنار بمانند
و مرتجعین وطنی هر چه بیشتر تقلا
کنند در دامی که خود جلو پای
رنجبران نهاده در غلظیده و خود را
نابود خواهند ساخت.

سیمای مرتجعین و سازشکاران..

دوشیزگان پیشرو و مبارز که
خاطره ملالی را در دلها زنده میکنند
دوش بدوش برادران همزم خود
بضد بیداد گری طبقاتی و ستم و احجاف
مرتجعین شعار میدادند.

بالا خره روز شنبه رو شنفکران
مترقی به همراهی گروهی از رنجبران
بنسوی جنگل مارش کردند تا در آنجا
باهم رنجبران خود یعنی کارگران
جنگل بپیوندند هر چند در آنجا در
خیمان از تجاع کارگران آگاه جنگل
را در قفس استبداد خویش موقتا سیر
کرده بودند با آنها مبارزان آگاه در
عقب کارگاه جنگل بیانیه های شور
انگیز ایراد و همبستگی پایدار خود
را با کارگران آنجا ابراز کردند بعدا
در جاده های مختلف شهر کابل با
توده های مردم در آمیخته نسبت
و با یمردی خود را برای مبارزه در راه
احقاق حق شان تاکید نمودند آنچه
در جریان این مظاهرات قابل توجه
و یاد آوری به نظر میرسید این بود که
افرادی از اقشار مختلف خلق یعنی
کسانیکه میشود آنان را کشتگان
برو کراسی و کاغذ پرانی خوانند
عرایض بی نتیجه خود را برای همزمان
خود میخواندند و شعار میدادند که
برای حصول حق مردم باید به نیروی
خود مردم اتکاء کرد نه به «عریضه»
و «قطعنامه» هر چند این «عریضه» ها
متوجه با اصطلاح (خانه ملت) باشد.
بالا خره ساعت دوازده و نیم روز
یکشنبه در حالیکه رو شنفکران
انقلابی بصورت دژ متجمعی برای
توده ها شعار میدادند:

بدورت گرجصار از سنگ سازند

رهش را چون دل من تنگ سازند

شکاف قلع را پیش تو آیم

زخونم گر جهان را رنگ سازند

موقتا پایان مظاهرات اعلام گردید.

طلبان را ستین که قلوب ایشان آکنده
از احساس خدمت به خلق است و جیب
دارند تا با توده هایکی شوند از
ایشان بیا موزند و بدیشان بیا موزند
اینست راز همبستگی جوانان پیشرو
و توده که هیچ قدرتی نمیتواند
این دژ شکست ناپذیر را در هم
کوبد.

هنگامیکه پیکر فرهنگ پو سیده
و فرتوت نیمه ملاکی و نیمه استعماری
در زیر ضربات خرد کننده خشم
توفان زای رو شنفکران مکاتب یاد
شده در بالا میلرزید، دیگر هر جوان
پیشرو و آگاه احساس میکرد که هسته
ضد نظام اقتصادی - اجتماعی کهن
از درون آن پدیدار گردیده و روز به
روز بنسوی رشد و شکوفایی میرود
فریاد های شور انگیز رو شنفکران
پیشرو که به خاطر رنج های بی پایان
رنجبران کشور شان در آسمان کابل
طنین انداز میگردد توده محروم
شهر یان کابل رابه تحسین و اعجاب
و امید اشت هر چند سازشکاران
مرتجع و کاسه لیسان در گاه اربابان
زر در پشت جبهه رو شنفکران آگاه
دست به عملیات تخریبی و خائنه
میزدند و حتی گاه بگاه او باش منشانه
فرزندان صدیق مردم را بجای پولیس
مورد ضرب و شتم قرار میدادند ولی
آفتاب مبارزات توده ای رنجبران و
رو شنفکران دیده این خفا شان قمر و
را که برای اغوای مردم از تاریکی
شبها استفاده میکنند کور کرده بود
و جرات نداشتند رو بروی توده قرار
گیرند اینگونه اعمال تخریبی و خائنه
ایشان را باز هم رسوا تر ساخت
و رو شنفکران در برابر توده های
محروم پرده را از سیمای پلید طبقات
بیداد گر حاکم و دستیاران خائین ایشان
کنار زدند.

از: درفش

جیره خوران ارتجاع بی شرمانه
خود را به صف خلق زده اند

باخته است. کارگران میدان های هوایی افغانستان دوش به دوش کارگران رشته های دیگر صنایع و دهقانان مملکت در شناسائی این عناصردو رویه و نقاب پوش دست همت باکمرزده و بانبروی رزمنده و نیروی واقعاً پیشرو مترقی کارگری همه وقت نقاب پوشان را افشا ساخته و چون امواج خشمگین موج به موج پیش رفته، عناصردو پوسترابه عقب رانده و بر اندرزهای ریاکارانه شان خط بطلان کشیده اند. کارگران میدان های هوایی افغانستان یقین دارند که دشمنان خلق یعنی استثمارگران داخلی و خارجی، مرتجعین داخلی و خارجی، مدافعین استثمار نویسن (دشمنان واقعی و دوستان ظاهری خلق) روز به روز پزمرده تر گردیده و ما، یعنی کارگران، دهقانان، زحمتکشان، روز بروز شاداب تر میگردیم. کارگران میدان های هوایی افغانستان به اینگونه عناصردختر خلق که با سلاح خلق با خلق میجنگند اخطار می کنند که از پیکار با خلق جدا خود داری کنند چه فقط خشم رزمنده و طوفان نرای خلق، این دشمنان دوست نما را با دیگر یاران شان در شایسته ترین جایگاه شان یعنی زباله دان تاریخ خواهند ریخت. کارگران! دهقانان! زحمتکشان! با کارگران میدان های هوایی سراسر افغانستان هم آواز شده خشم کارگری را که بنیان کن جامعه کهن و ایجادگر جامعه نوین است درسطور زیرین که از طرف سرسپردگان راه آزادی بیان گردیده است یکباردیگر به این خلق نماهای ظاهری و ددمنشان واقعی جداً اخطار کنیم.

«بگذار کاسه لیسان در گاه اربابان زر هرچه از چرنده یات خنده آور و هجو یات لا یعنی در چنجه های مغز خویش دارند چون شعبده بازان بازار ی در انتظار همه گان بریزند تا علم دیگر گونی عمیق رنجبران در مبارزه با اینگونه پندار های پوچ راه خویش را خوبتر و بیشتر در صفوف رنجبران و متحدین آن باز نموده و گنجینه دانش پیشرو را بیش از پیش غنی نمایند»

و مدافعین استثمار نوین چیزی دیگری نمی تواند باشد.

از این قماش اشخاص هر نقاب را که به چهره زنند بگفتار دو ست خلق هستند و در عمل در برابر دشمنان خلق دستگاه ارتجاع داخلی به کرنش در می آیند و جبین به خاک می ساینند، در صف مقابل خلق و توده قرار دارند. چه با دشمنان خلق هم دست شده و در کو بیدن خلق دشمنان خلق راپاری می نمایند، ولی آنها بی جهت وقت شانرا تلف می کنند، تلاشهای مذبحخانه و نقشه های سالو سانه دیگر در بین کارگران و توده افغانستان بازار خود را از دست داده است این بین المللی به سردمداری امریکا متاع ننگین ازین بیش ارزش خود را

«واصف» باختری

سرود روستا

کند جلوه در افق
چو این کهنه روستا
شود پایگاه خلق
چو زین کهنه روستا
بر آید سپاه خلق
ازین جلوه گاه غم
ازین چشمه سار رنج
پدید آید آتشی
شتابان چو آذر رخس
درخشان چو آفتاب
به تو فندگی چو میخ
به تابندگی چو تیغ
بسوزد بنای جور
فروزد شرار رزم
فرازد درفش سرخ
کشاورز روستا
به پیگرد رنجبر
نبرد آزما شود
دو سیلاب پیشتاز
هم آهنگ و هم نورد
هم آواز و هم نبرد
یکی پتک آهنین
بدست از پی ستیز
یکی تیغ جوهرین
بکف بهر رستخیز
ازین غول پا گلین
نماند نشانه ای
وزین ببر کاغذی
به گهنا م جهان
نماند فسانه ای

برین باره بلند
برین تکه رخت پیر
برین شاخه های خشک
چه مرغان شپ نورد
که بستند آشیان
درین دشت سارها
چه شبهای نیم رنگ
که پیچیده تاسحر
نوی نی شبان
درین کهنه روستا
درین جلوه گاه غم
درین چشمه سار رنج
چه برزیگران پیر
چه دوشیزگان مست
چه پویشگران رزم
که از یاد رفته اند
که ناکام مرده اند
که خاموش خفته اند
زارباب بهره کش
زداری از منه
ستم ها کشیده اند
در این کشتزارها
چه مردان رزمجو
که در خون تبیده اند
چه دل های پر تپش
که آکنده از امید
به خاک آرمیده اند
چو خورشید رستخیز

بادرک علم پیشرو که روشنگر راه مبارزه قهرمانان نه ستمکشان علیه ستمگران و نوکران زر خرید شان میباشد، کارگران و اقمی میدان بین المللی هوا بی کابل و محصلین مکتب هوا نوردی و هوا شناسی که وظیفه کارگری میدان های هوایی افغانستان را در آینده به دوش دارند در بوته مبارزات شان به خوبی دریافته اند که فرقه راه و چاه کدام است؟ کارگران میدان هوایی بین المللی کابل و کارگران سایر میدان های هوایی افغانستان دو شا دوش یکدیگر قرار گرفته همه وقت مبارزات سر سخت را در مقابل دستگاه اداری پیش گرفته

کارگران و هم وطنان کرامی به خاطر دارند که در ست هفت سرطان ۱۳۴۶ اعتصاب عمومی کارگران میدان هوایی کابل و قندهار به اثر دستبرد که در حقوق کارگران میدان کابل و ضرب و شتم و حشیانه و ددمنشانه کارگران توسط آمر میدان قندهار صورت گرفت، شعله این خشم بنیان کن، این ندا حق طلبی کارگران رو شنفکر تاکرا نه های شمال مملکت زبانه کشیده کارگران میدان مزار و هرات از این خشم کارگری و غرش لر زاننده کج ارتجاع استقبال خو بی نموده و از هفت سرطان اعتصاب عمومی توأم با افشاگری دستگاه اداری آغاز گردید، اعتصاب سر تاسری کارگران میدان های هوایی افغانستان تا ۹ سرطان همان سال ادامه داشت. بعد از اعتصاب یکمده از اشخاص بی بندوبار باتلاشهای مذبحخانه و نقشه های سالوسانه خود با ماسک دروغین خلق که به اصطلاح به خاطر رنجهای بیکران خلق های ستمدیده افغانستان، مبارزه می کنند در صیف مبارزین واقعی خود را جا زدند. این جیره خوران در گاه ارتجاع که بی شرمانه خود را به صف خلق زده، نقاب حقه به چهره کشیده و به حرب خلق با خلق نبرد میکنند از چه کسانی عبارتند؟ اجازه دهید مشتکی را نمونه خروار ذکر کنم.

اداره کننده مکتب هوا شناسی و هوا نوردی میدان بین المللی کابل به دستکاری یا رانش همه و قته دم از خلق و خلق دوستی زده و شعار «بخاطر رنجهای بیکران خلق های ستمدیده افغانستان» را مانند وثیقه ملی شان به زبان دارند.

ولی آیا این طر فداران خلق بگفتار در عمل نیز در صف خلق می ایستند؟ خیر به هیچ وجه. چه کنسلی که چند سال قبل از طرف رئیس هوا بی ملکی آنوقت بدر یافت تعمیر لو کس در کار ته مامورین که قیمت تخمینی آن در حدود بیست لک افغانی است سر فراز شده باشد، کسی که در اعتصاب عمومی کارگران میدان هوا بی کابل و قندهار و سایر میدان های هوایی افغانستان مانع حصه گرفتن محصلین مکتب هوا نوردی و هوا شناسی در اعتصابات و احقاق حق برادران کارگر

زموذ اوسنی اقتصاد چهل و لتی

-۴-

سکتور په نامه یادگیری

پورتنی تحلیل په ښه توګه ښی
چه د اقتصاد دولتی سکتور تقویت
زموذ اړوالی و امپریالیزم او نسوی
اصول مولدینو په ګټه وی یواځی
د ژور سیاسي تحول له لاری امکان
لری او بس
پای

له دی کبله دریم پلان دیوی خوا
هغه نیمه استعماری او نیمه ملاکی
خاصیت لاپسی دیوی اوله بلی خوا
خصوصی سرمایه گذاری قصد آهڼی
ځانګې ته بیول شوی دی چه داستهلاکی
خارجی شیانو واردول دهغه د ماتس
او ورشکستګی سبب ګرځی ځکه
ملی تاجر کله کولای شی چه کهنه
کار و امپریالیستی او دنوی استعمار
مدافعینو انحصاراتو سره رقابت
وکړی.

اعتصاب کارگران رزمجوی مطابع دولتی

خبر نگار ما گزارش میدهد که بروز پنجم جو زا کارگران مطابع دولتی کابل دست به اعتصاب بزدند. خواسته های آنان بیمه صحت، افزایش معاش، و سیله نقلیه، کوپون مساله تقاعد کارگران، لباس کار، استفاده از تعطیل بعد از ساعت دوازده روز پنجشنبه و رخصتی بعد از ساعت چهار و نیم در دیگر روزهای هفته بوده است این اعتصاب در اثر مداخله بعضی عناصر مخرب باعث خشونت بیشتر کارگران راهرام آورده و بعد از مخطا به ما دست به مظاهرات زدند و از محوطه فابریکه خارج شدند، پولیس و ژاندارم ارتجاع کارگران را متجاوز صره نمود. اما این عمل هم نتوانست از تصمیم رزمجویان نه کارگران جلو گیر ی کند. اما اخیراً از تجاع دست بحيله گری زده و با و عده ها از حرکت کارگران جانب شهر جلو گرفت، کارگران با اراده رزمجوی و تصمیم شکست ناپذیر انتظار این و عده نزدیک را می کشند.

شعله جاوید که از زندگانی رنجبار و پر مرارت کارگران مطابع آگاه است و بخوبی میداند که بسیاری از ایشان بنا بر شرایط سنگین کار به بیماری ها گرفتار می شوند خواه ستهای منطقی کارگران آگاه مطبعه دولتی را تأیید میکند و یقین دارد که آنان با همبستگی و تحکیم اتحاد خویش بر دشمنان طبقا تی خود چیره خواهند شد.

نامه کارگران

فابریکه قیر ریزی بناروالی
کارکنان جریده شعله جاوید!

چون جریده شعله جاوید را انعکاس دهنده آرمانهای خویش میدانیم بو سیله این نوشته یکمده از خواستههای خود را به شما ارسال داشتیم تا در شعله جاوید درج گردد: ۱- با لافتن سر سام آور قیمتها و نداشتن کوپون زندگی ما و خانواده های ما را به بدترین صورت تهدید می کند.

۲- در اثر شرایط ناگوار محیط کار به بیماریها و علالت ها گرفتار هستیم ولی از بیمه صحت و دکاتور موظف اتری نیست.

۳- از مفاد مبلغیکه بنام ذخیره از معاش ناچیز ما وضع می گردد حق استفاده نداریم.

۴- باید روزهای پنجشنبه برای رفع خستگی های یک هفته و تجدید قوا برای بدست آوردن نان بخوریم.

۵- معاش ما به اندازه ناچیز است که چند روز زندگی مرگبار و احتیاجات اولیه ما را تامین کرده نمی تواند.

۶- از نداشتن لباس کار دچار تکالیف زیادی می باشیم. این نکته را نیز شایسته یادآوری می دانیم که یکی از کارفرمایان باما بصورت بسیار بیدادگرانه و مغایر کرامت انسانی پیش آمد میکند و از جانب دیگر از تیل و دیگر مواد استفاده سوء بعمل می آرد.

شعله جاوید: مطالبات کارگران فابریکه قیر ریزی بناروالی را بجامیداند و به ایشان نوید میدهد که اکنون طوفان مبارزات زحمتکشان به سطحی رسیده است که مرتجعین و کارفرمایان بیدادگر نمی توانند حقوق حقه کارگران را بازای بگیرند.

پیکار قهرمانانه زحمتکشان فرانسه

اعتصاب عمومی کارگران فرانسه علیه سیستم متغور سرمایه داری. بدومین هفته خویش وارد شد. در اوایل این هفته تعداد کارگران که به اعتصاب عمومی و نا محدود پیوسته بودند، بیش از ده میلیون نفر بود، یعنی از هر پنج نفر فرانسوی یک نفرشان در شمار اعتصاب کنندگان می آمد. تمام صنایع مواصلات و مخابرات، خطوط هوایی، معادن و بنادر فرانسه در حال رکود بسر می برد. کارگران در بیش از دوصد کارخانه و معدن قدرت را بدست گرفته اند. محصلین قهرمان فرانسه به مظاهرات و مبارزات خود دوش بدوش همزمان کارگر خویش ادامه می دهند. دولت ارتجاعی فرانسه در پیست و سوم مه (سوم جوزا) تشکیل اجتماعات و مظاهرات را منع قرار داد، ولی محصلین و کارگران قهرمان شهر پاریس از پیست و سوم تا پیست و پنجم (سوم تا پنجم جوزا) به تظاهرات مسلسل دست زدند و چندین بار با پولیس مخصوص سرکوبی مظاهرات، زد و خورد کردند. هم چنان کارگران و محصلین سایر شهرهای فرانسه نیز با سر مشق گرفتن از همزمان پاریسی خود، بمبارزات و مظاهرات خویش ادامه میدهند. در جریان این مبارزات عظیم قیافه خیانت پیشه سازشکاران معاصر، این زخم چرکین در بدن طبقه کارگر فرانسه بخوبی رستوا گشت. این خائنین با سوء استفاده از نفوذ که در میان برخی از اتحادیه های کارگری داشتند. کارگران را از شرکت در مظاهرات محصلین پاریس بازداشتند، ولی با وجود آن روز پیست و پنجم مه (پنجم جوزا) ده ها هزار کارگر به اتفاق محصلین پاریس دست بمظاهرات عظیمی زدند سردمداران سازشکار، این گدی های کوکی میخواستند با توسل بهروسیله با دولت ارتجاعی فرانسه از درسازش پیش آمده و موج طوفانی پیکار کنونی خلق فرانسه را فروکش بخشند. درین هفته، در لندن، مظاهرات از طرف محصلین پیشرو و کارگران آگاه در پشتیبانی از مبارزات خلق فرانسه صورت گرفت. هم چنان در استکهلم نیز محصلین پیشرو در پشتیبانی از مبارزات خلق فرانسه علیه سیستم فرتوت سرمایه داری انحصاری، مظاهرات پر شکوهی ترتیب دادند.

تمام خلق های ستمکش، آنهایی که در زیر فشار و اسارت سیستم های سرمایه داری و ملاکی قرار دارند بخلق مبارز فرانسه که صاحب ستن پر افتخار انقلابی اند، درود گرم و آتشین می فرستند.

شعله جاوید: مطالبات کارگران فابریکه قیر ریزی بناروالی را بجامیداند و به ایشان نوید میدهد که اکنون طوفان مبارزات زحمتکشان به سطحی رسیده است که مرتجعین و کارفرمایان بیدادگر نمی توانند حقوق حقه کارگران را بازای بگیرند.

باز هم ردهجویات لایعنی

در طی نیم قرن گذشته تاجه اندازه بدل پرو بلم های معارف پر داخه و از دشواریهای امور فرهنگی کاسته اند که در چند روز در بر آورده شدن این مامول پیر وری یا بند شخصیت ها و محافل ارتجاعی وابسته به طبقه حاکمه میخواستند و خانواده های شاگردان را علیه آنان برانگیخته سازند و روشنفکران میهن پرست و خواستاران تحولات عمیق و بنیادی را نسبت به مبادی اخلاق و معتقدات بی اعتنا نشان دهند ولی خوشبختانه پدران و خانواده های شاگردان اکنون بدرستی درک کرده اند که این آئین دیرین طبقه حاکمه بیدادگر است که خود عملاً به این مبادی بی اعتنا است و همواره خواسته است فرزندانش را برومند مردم را ناجوانمردانه با این حربه از پا در آورد. توده های ستمکش کشور ما، روشنفکران مترقی و پیشرو کشور ما و همه آرزو مندان سر بلندی و آزادی واقعی افغانستان اکنون راه خویش را یافته اند و آگاهانه در این راه پیش می روند. پس از این با هیچگونه وعده و وعید، با هیچگونه تخذیر و تحمیق، با هیچگونه سالوس و ریاکاری توان از رشد اندیشه های تازه جوی روشنفکران پیشرو جلو گیری کرد. سردمداران ارتجاعی این آرزو را با خود بگور خواهند برد.

دولتی مطبعه

خبر نگار ما اطلاع میدهد که بروز سه شنبه ۷ جوزا موتر رانهای ترا لسپورت انحصارات دربرابر عمارات ریاست انحصارات دست به اعتصاب زده بودند خواسته های آنها عبارت بود از:

(۱) افزودی معاشات.

(۲) باید در روزهای که موترهای آنها در اثر نبودن کاری متوقف می باشد برایشان نیز معاش داده شود.

(۳) باید تفاوتی بین معاش موتر رانهای که موترهای ده تیره و چهار تیره را می رانند وجود داشته باشد.

شعله جاوید: خواسته های موتر رانهای ترا لسپورت انحصارات را تأیید نموده و عقیده دارد که آنان میتوانند با همبستگی و اتحاد حقوق خویش را از آمرین ستمگر بدست آرند.

بدرک این واقعیت که حقوق خویش را نمی توان از راه زاری و عریضه بازی بدست آورد، کارگران، مطبعه معارف روز چهارشنبه ۸ جوزا دست به اعتصاب زدند، خواسته های آنها مانند سایر کارگران دیگر فابریکات می باشد شعله جاوید با تأیید اعتصاب کارگران مذکور، عقیده دارد که تمام کارگران افغانستان با همبستگی و اتحاد نزدیک میتوانند شاهد پیروزی اقتصادی و سیاسی را به آغوش کشند.

بر اساس گزارش خبر نگار ما روز شنبه چهار جوزا رو زیکه شعارهای نبرد انگیز روشنفکران پیشرو در فضای کابل طنین افکنده بود، کارگران آگاه خانه سازی دست به مظاهره زدند، مقامات مسئول تاکنون به مطالبات منطقی و مستدل آنان پاسخ مقنعی نداده اند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
داکتر رحیم (محمودی)
آدرس حصه اول جاده میوند
حساب در پستی تجار تی بانک
(۷۲۷۴)

هر پنجشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره در سراسر
افغانستان دوا فغانی
حق الاشتراک

مرکز ۱۰۰ افغانی
ولایات ۱۱۰ »
خارج ۱۰۰ دالر